

## دراندوه سه هنرمند چیره دست

هنرمندان، هنردوستان، فرهنگیان و مردم افغانستان، در داخل و خارج از کشور، بر علاوه این که از اوضاع نا به سامان افغانستان رنج می برند، در طول یک ماهی که گذشت در غم و اندوه سه هنرمند ممتاز و شناخته شده جهان موسیقی و تیاترنشستند. همه به خوبی میدانند که هنرمند شدن، هنرمند بودن و هنرمند ماندن کار هر خس و خاشاکی نیست که نیست. هر کدام از این هنرمندان در طول سال های متوالی با قبول هزار گونه مشکلاتی که سد راه فعالیت های هنری شان قرار داشت، سینه سپر کردند و خود را تا آن جا ها رسانیدند که هنرشان مورد قبول هنردوستان قرار گرفت .

### مومن خان بیلتون

استاد مومن خان بیلتون یکی از هنرمندان ممتاز افغانستان بود که با تاسف به روز ۱۸ عقرب مصادف به ۹ نوامبر سال ۲۰۰۱۵ به اثر مریضی که عاید حالش شده بود، جهان فانی را وداع گفت.



مومن خان بیلتون در سال ۱۳۱۱ هجری خورشیدی در شهر مزار شریف دیده به جهان گشود . پدرش جمعه خان نام داشت و پیشه اش دهقانی بود. بیلتون پیش از آن که به اوج شهرت و محبوبیت در بین مردم قرار بگیرد، سال های قیل، یعنی آن گاه که کودکی بیش نبود با آلات موسیقی آشنا شد و علاقه زیادی به موسیقی از خود ابراز نمود. وی هنوز چشم به دنیا نگشوده بود که پدرش دنیای فانی را وداع گفته و هنوز طفل کوچکی بیش نبود که مادرش را از دست داد و طفل محروم از نوازش والدین در خانه خواهرش در ولایت لوگر به زندگی اش ادامه داد. بیلتون با وجود همه مشکلات فقر و بیچاره گی با توله یی که از نی ساخته شده بود، آهنگ هایی را می نواخت و گاه گاهی آهسته آهسته

آهنگی را با خودش زمزمه می کرد . دوستان و همسالانش وی را تشویق می کردند و در پی تحسین آوازش بر می آمدند. همزمان او با پشتکار و علاقمندی روانش را با نغمه ها و آواز ها هماهنگی می بخشید و با سازها خلوت می کرد و زمانی هم با پنجه های کوچکش تارهای تنبورش را نوازش می داد.

بعضی اوقات به اثر اصرار دوستان بزم دوستانه همسالانش را با صدایش گرم می ساخت و گاهی هم چار دیواری های بلند قلعه های گلی منطقه لوگر را با ساز و سر دوش رونق می بخشید و پیوسته اینجا و آنجا تحسین همگان را بر می انگیخت و شمار علاقمندانش از همان آوان روز تا روز بیشتر و افزونتر می گشت. بیلتون زمانی که در لوگر بود به حلقه شاگردان بهایی جان پیوست و چهار سال تمام خدمت وی را کرد و از او شعر های زیادی آموخت. ( ۱ ) تا بالاخره برای بار نخست با معرفی

که با استاد دری لوگری پیدا کرد، پایش به عقب میکروفون رادیو افغانستان کشانیده شد و اولین آهنگش را از طریق امواج رادیو تقدیم هنر دوستان کرد .

بیلتون هنرمندی بود که در میان مردم خود زندگی کرد و هنرش را باصفا و صمیمیت در خدمت جامعه و مردمش قرار داد، زیرا او هر باری که در محافل و کنسرت ها ظاهری گشت با علاقمندان آوازش هر نوع فاصله را می برید و خود را با مردم خود نزدیک و نزدیکتر احساس می کرد و همان بود که باز تاب های احساس مردمش را به خوبی درک می کرد.

بیلتون در طول دوره فعالیت های هنری اش، چار بار به حیث هنرمند سال « موسیقی محلی » از طرف مردمش شناخته شده و پنج مدال هنری را از آن خود ساخت و آخرین بار از طرف تلویزیون آریانا ی کابل نیز منحه هنرمند سال در بخش موسیقی محلی انتخاب گردید.

بیلتون سفرهای زیادی به خارج از کشور مانند ترکیه ، بلغاریه و یوگوسلاویا داشته و در کنسرت هایش مورد استقبال قرار گرفته است. بعد از مهاجرت از افغانستان سفر هنری به اروپا و امریکا نیز داشت که با گرمی زیادی مورد استقبال هموطنانش در خارج از کشور نیز قرار گرفت .

استاد بیلتون ازدواج نموده بود و هفت فرزند دارد و یگانه آرزویش این بود که تا پایان عمر به حیث هنرمند در خدمت مردمش قرار داشته باشد. با صد دریغ و درد که در سالهای پر رنج زندگی، استاد بیلتون بینایی و شنوایی اش را از دست داده و در کنج خانه زمینگیر شد دیگر پنجه هایش توان آنرا نداشت که تار های تنبورش را به احتزاز بیاورد و دیگر نتوانست آواز بخواند و به بسیار مشکل سخن می گفت. وزارت اطلاعات و فرهنگ و ریاست عمومی رادیو تلویزیون افغانستان نتوانسته و یا شاید هم نخواستند این هنرمند والا و بی بدیل کشور را جهت معالجه به یکی از کشورهای خارجی مانند هندوستان بفرستند .

زمانی این هنرمند والا چشم از جهان پوشید وزیر اطلاعات و فرهنگ به منزل اش رفت ولی نخواست جنازه این هنرمند مردمی را تا خانه قبر مشاعیت نماید .

رسانه های افغانستان نیز گزارشی از مراسم تدفین استاد بیلتون را به تصویر نکشیدند و همه رسانه ها مصروف گزارشات تظاهرات مردم، به خاطر به قتل رسانیدن هفت شهروند افغانستان توسط تروریستان طالبی و داعشی بودند.

## داکتر محمد نعیم فرحان

همچنان با تأسف و تأثر فراوان اطلاع یافتیم که دکتور محمد نعیم فرحان از شخصیت های بارز و یکتن از چهره های آشنای دنیای هنرموسیقی و تیاتر نیز به تاریخ ۲۲ نوامبر در شهر سدنی استرالیا جهان فانی را وداع گفت .

داکتر محمد نعیم فرحان در سال ۱۳۱۷ خورشیدی در ولایت قندهار دیده به جهان گشود. و پس از با خانواده اش به شهر کابل مسکن گزین شد.

داکتر فرحان تحصیلات خویش را در لیسه عالی حبیبه و لیسانس اش را در رشته تاریخ و جغرافیه در سال ۱۳۴۲ از دانشکده ادبیات دانشگاه کابل دریافت نمود.



سپس برای ادامه تحصیل به چکوسلواکیا رفت و در یکی از بهترین دانشگاه های اروپا یعنی دانشگاه چارلز پراگ بمدت ده سال تحصیل نمود و با کسب مقام دکتورا از آن فارغ گردید و جهت خدمت به کشورش بازگشت .

مرحوم فرحان از آوان جوانی به هنر آوازخوانی و تمثیل در تیاتر؛ ابتدا بنام نعیم شعله و بعداً نعیم فرحان به فعالیت های هنری اش ادامه داد و بعد از تحصیلات اکادمیک بعنوان کارگردان ، مترجم و کارشناس براننده عرصه تیاتر از شهرت فراوان برخوردار شد. او نمایشنامه های زیادی نوشت و ترجمه کرد و به همراهی نخبگان تیاتر افغانستان چون خانم حبیبه عسکر، استاد عبدالقیوم بیسد، رفیق صادق، حمید جلیا و مسرور نجیمی بروی صحنه رفت.

موصوف با کسب لقب کارمند شایسته فرهنگ ، مدالها ، نشان ها و جوایز و تقدیر نامه های فراوانی را بخاطر ابتکارات هنری بدست آورد و در دهه شصت ابتدا بحیث استاد و بعداً به صفت رئیس دانشکده هنرها در دانشگاه کابل کرسی اکادمیک داشت و جوانان هنرمند فراوانی را درین راستا تربیه نمود.

از کارهای شاخص این یازیگر برجسته تناتر افغانستان، می توان به نمایشنامه هایی چون: شام زندگی، زنان عصبی، شربت غریت، خاطره ای یک شب، کور خود بینای مردم، حماسه مادر گورکی، ملالی دوشیزه افغان، جبارخان و جلادخان، میرزا قلم ها، عزیزم مرا بکش، تو قهرمان نیستی، همه مادران مدرم است، امشب شاه می میرد و تاجر مرگ، اشاره کرد.

جنازه داکتر نعیم فرحان درشهر سدنی استرالیا به خاک سپرده شد روانش شاد باد.

## استاد سلیم بخش

وبالآخر به روز سه شنبه اول دسامبر ۲۰۱۵ میلادی خبرمرگ هنرمند شناخته شده کشور استاد سلیم بخش پسر شهنشای غزل استاد رحیم بخش از طریق فیسبوک جناب انجنیر محمد صدیق قیام انتشار یافت. رسانه های های افغانستان از فوت استاد سلیم بخش خبری را انتشار ندادند و اگر انتشار یافته باشد آن را من ندیدم .



استادسلیم بخش در سال 1329 خورشیدی در گذر خواجه خوردک خرابات کابل در یک فامیل هنرمند چشم به جهان گشود.تا گوشش احساس کرد ساز شنید و تا چشم باز کرد آلات موسیقی را دید ومانند اکثر اهل خرابات با ساز و سرود بزرگ و بزرگترشد بعد شامل مکتب شده از لیسه غازی فارغ گردید و بعد به صفت کارمند تخیکی در ریاست مطابع دولتی شروع به کار نمود. بعدا به رادیو افغانستان رفت و من حیث عضو اداره موسیقی رادیو افغانستان ایفای وظیفه کرد.

استاد سلیم بخش هنر موسیقی را نخست نزد پدر خود زنده یاد استاد رحیم بخش فرا گرفت و بعدا با برادر خود استاد حسین بخش نزد استاد نزاکت علی خان و استاد سلامت علی خان به شاگردی نشست. استاد سلیم بخش و استاد حسین بخش بعداز آن که به وطن عودت نمودند به شکل دوگانه به ثبت آهنگ های کلاسیک و تهمری آغاز کرده و خوب درخشیدند.

زمانی که استاد حسین بخش به هندوستان مهاجر شد هر دو برادر ناگزیر شدند به تنهایی هنرنمایی نمایند .

استاد سلیم درآرشیف رادیو تلویزیون افغانستان بیش از یک صد و چهل پارچه آهنگ کلاسیک، غزل و تمری ضبط نموده است.

مدتی بود که استاد سلیم بخش از مریضی شکر رنج می برد، تا اینکه در اثر سکتة مغزی در یکی از بیمارستان های کابل داخل بستر شد. وزارت اطلاعات و فرهنگ جهت تداوی این هنرمند شناخته شده هیچ گونه مساعدتی را روا نداشت . بنا در آخرین لحظات خانواده استاد رحیم بخش وی را به شهر پشاور پاکستان انتقال دادند اما متأسفانه بسیار ناوقت بود و هیچ گونه نتیجه خوبی را در پی نداشت و بالاخر در هماتجا داعی اجل را لبیک گفت . جنازه استاد سلیم بخش به کابل انتقال داده شد و بعد از نماز جنازه در مسجد عیده در شهدای صالحین به خاک سپرده شد. گفته شده است که در مراسم جنازه او از اولیای امور وزارت اطلاعات و فرهنگ کسی حضور نداشت، صرف رییس رادیو تلویزیون ملی در مسجد عیدگاه حضور پیدا نمود ولی وقت تشیع جنازه استاد گرامی را تا شهدای صالحین نداشت .

ناشر رنگین وفات این بزرگان حوزه هنر را به خانواده های ایشان وبه جامعه فرهنگی تسلیت می گوید.